

حکایت مجردی



توسعه نامتوازن شهر تهران نسبت به سایر شهرها باعث تمرکز امکانات در این شهر شده است و نمی‌توان جوانی را که برای پیشرفت و دستیابی به آرمان و آرزوهایش و استفاده از امکانات مناسب به تهران مهاجرت می‌کند را به‌تنهایی عامل شکل‌گیری خانواده‌های تک‌نفره دانست.

توسعه نامتوازن شهر تهران نسبت به سایر شهرها باعث تمرکز امکانات در این شهر شده است و نمی‌توان جوانی را که برای پیشرفت و دستیابی به آرمان و آرزوهایش و استفاده از امکانات مناسب به تهران مهاجرت می‌کند را به‌تنهایی عامل شکل‌گیری خانواده‌های تک‌نفره دانست.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه شهروند نوشت: خانواده‌های تک‌نفره تعبیر تازه‌ای است که برای افرادی با مجرد قطعی به کار می‌رود. انگار چه بخواهیم و چه نخواهیم باید این افراد را به رسمیت بشناسیم. دیگر مانند گذشته نمی‌توان به افرادی که تنها زندگی می‌کنند برچسب زد و به آنها با دیده‌تردید نگریست. اگر در گذشته پسران به صورت مجردی زندگی می‌کردند و کسی به آنها خرده نمی‌گرفت، امروزه دختران هم این سبک زندگی را برای خود انتخاب کرده‌اند، گاهی به صورت اختیاری و گاهی هم به صورت اجباری. واقعیتی غیرقابل‌انکار که دارای علل متعددی است. واقعیتی که نباید از آن چشم‌پوشی کرد. تصور کنید همین تعداد از افرادی که به صورت تنها زندگی می‌کنند به سنین بازنشستگی برسند. اگر دولت و تأمین اجتماعی فکری به حال حمایت از این افراد نکرده باشد، در شرایطی که دیگر نمی‌توان این مسئولیت را به‌دوش خانواده‌ها واگذار کرد، چه بحرانی در سال‌های آتی متوجه جامعه خواهد بود؟ در هفته گذشته دو نشست با محوریت عدم ازدواج جوانان و مجرد قطعی برگزار شد. در ادامه گزارشی خواهیم داشت از سخنرانی کارشناسان و جامعه‌شناسان در این نشست تا علل، آسیب‌ها و راهکارهای این پدیده رو به افزایش را بهتر بشناسیم:

نشست «چیستی مجرد افراد بالای ۳۵ سال و علل و پیامدهای آن»، در پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات و با حضور دکتر شیرین احمدنیا؛ جامعه‌شناس و عضو هیأت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران و مدیرگروه جامعه‌شناسی پزشکی و سلامت انجمن و دکتر شهلا اعزازی؛ جامعه‌شناس برگزار شد.

در ابتدای نشست شهلا اعزازی با اشاره به آمار وضعیت تأهل و مجرد گفت: در حال حاضر ۱۵۲ هزار نفر مجرد قطعی داریم که زنان و مردان بالای ۵۰ سال هستند. همچنین یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سن ازدواج مجرد قرار دارند. زنان مجرد با ۹۰ هزار نفر جمعیت، بیشتر از مردان مجرد هستند. زمانی همه ازدواج می‌کردند و مجرد قطعی خیلی کم بود، اما در حال حاضر این‌طور نیست.

از منظر جامعه‌شناسی، مجرد آسیب نیست بلکه نوع دیگری از زندگی است
او با طرح سؤالی مبنی بر این‌که که آیا مجرد آسیب است یا خیر؟ تصریح کرد: از منظر جامعه‌شناسی، مجرد آسیب نیست بلکه نوع دیگری از زندگی است اما از دید فردی، ترجیح می‌دهم افراد در سنی ازدواج کنند، صاحب فرزند شوند و در دوره‌ای، از بودن کنار فرزندان لذت ببرند. سپس جوان خانواده ازدواج می‌کند و در محدوده نزدیک پدر و مادر نومیکنی تشکیل می‌دهد و نوه می‌آید و نوع دیگری از نومیکنی ایجاد می‌شود. این جامعه‌شناس با تأکید بر این‌که زمانی که از ایران صحبت می‌کنیم نگاه ما به تهران است، اظهار داشت: در تهران گروهی از افراد برای کسب موقعیت‌های بهتر و به دست آوردن شغل به خارج از کشور سفر کردند. ۴ میلیون نفر جمعیت خارج از ایران وجود دارند که حتی پس از انقلاب از کشور خارج شده‌اند. به همین دلیل مدل سنتی خانواده در حال تغییر است و رابطه‌ها و کمک‌های دوجانبه خانواده اول و دوم در درصدي از جامعه وجود ندارد. این تصویری است که ما از زندگی داریم، اما الزاما جوان ما نباید از زندگی آینده خود این تصور را داشته باشد. عوامل مختلفی در این تصور نقش دارند.

جوانان علاقه زیادی به ازدواج ندارند

اعزازی با اشاره به دلایل عدم علاقه جوانان به ازدواج گفت: جوانان علاقه زیادی به ازدواج ندارند. زمانی مجرد با اقتصاد همراه بود؛ یعنی مردان باید پول، خودرو، کار و خانه داشتند تا بتوانند ازدواج کنند. آن‌چه در حال حاضر دیده می‌شود، مجرد خودخواسته است که فرد حتی با وجود شرایط مالی مناسب، نمی‌خواهد ازدواج کند؛ زیرا آینده خود را در مسائل دیگری مانند تفریح، سفر و حتی تنهایی می‌بیند. موضوع تأثیرگذار بعدی این است که دختر مجرد به شرایط زندگی زنان اقوام خود نگاه می‌کند؛ این دختر که تحصیل کرده است می‌گوید برای چه ازدواج کند و حقوق خود را از دست دهد. او می‌گوید می‌توانم درس بخوانم، سفر کنم و فعالیت‌های دیگری داشته باشم، اما با ازدواج، این حقوق را به دیگری منتقل می‌کنم. موضوع دیگر که بیشتر برای دختران

مسئله است، این که آنها معتقدند که در خانه پدر هر چه بخواهند دارند، پس چرا ازدواج کنند. این دختران عموماً شوهران پولدار را می‌پذیرند، سنتی ازدواج می‌کنند و به علت این که علاقه خاصی به فرد مقابل ندارند، معیارها به سطح تحصیلات و پول تبدیل می‌شود؛ از آنجایی که امروزه همه افراد تحصیل می‌کنند، داشتن مدرک دانشگاهی چندان معیار نیست و معیار پول می‌شود. او ادامه داد: علت دیگر مجرد این است که افراد کجا یکدیگر را ببینند تا همسرگزینی داشته باشند. دختران امروز، دختران حاضر در جامعه هستند و می‌خواهند همسر خود را در محیط بیرون گزینش و انتخاب کنند، اما فضایی برای این منظور وجود ندارد. دانشگاه‌ها تفکیک شده‌اند. محل کار هم که فضایی چندان مناسبی برای آشنا شدن با همسر آینده نیست. پس از آن هم سایت‌های همسریابی ایجاد شد که نمی‌دانم چه سرانجامی برای آشنایی‌ها در آنجا وجود دارد و به چه شکلی آشنا می‌شوند. پس برخی افراد با وجود این که تصمیم به ازدواج دارند، اما مکانی را برای دیدن و انتخاب فرد ندارند. تلویزیون، ضدتبلیغی برای ازدواج است

این استاد دانشگاه درخصوص تأثیر برنامه‌های تلویزیونی در ازدواج گفت: جامعه ما از طریق تلویزیون دائماً بر ازدواج به شکل سنتی تأکید می‌کند. زمانی در تمام سریال‌ها دختری درحال ازدواج بود و برای گروهی از دختران و پسران مدرن شرایط خواستگاری را به این شکل نشان می‌دادند که پسر می‌گوید علاقه‌مندی شما چیست، دختر می‌گوید من شعر دوست دارم، پسر هم می‌گوید به به من هم شعر دوست دارم؛ این نمایش راه خوبی برای نشان دادن فرهنگ همسرگزینی نیست. در همان زمان تحلیل برنامه‌های تلویزیونی را انجام می‌دادم و گفتم من اگر دختر یا پسر جوانی بودم، به دلیل نمایش پس‌زننده خانواده در تلویزیون، از ازدواج منصرف می‌شدم.

امروزه «علاقه» نقشی در ازدواج‌ها ندارد

اعزازی با بیان این که در کلاسی از دانشجویان سوال کردم چرا با فرد مشخصی ازدواج می‌کنند، گفت: آنها هر دلیل ممکن جز علاقه‌مندی به آن فرد را بیان کردند؛ یعنی تنها چیزی که در بحث ازدواج مطرح نشده بود، علاقه بود. وقتی سوال کردم پس علاقه چه می‌شود؟ دانشجویان مبهوت نگاه می‌کردند که مگر این موضوع هم مهم است. پس می‌بینیم معیارهای ازدواج که مسئولان تکرار می‌کنند به هم خورده است. مسئولان می‌گویند مگر دختر ۳۵ ساله با پسر ۳۰ ساله ازدواج می‌کند؟ این معیارها به هم خورده و تعداد زیادی ازدواج با دختر بزرگتر حتی با تفاوت ۲۰ سال وجود دارد. در بحث سواد هم می‌بینیم که سطح سواد پایین‌تر مرد دیگر دلیل رد کردن قطعی نیست.

۱۰۰ هزار نفر اختلاف واقعا مصیبت نیست که آن را بزرگ می‌کنند

او با بیان این که اصلاً نمی‌فهمم چرا دولت غصه شوهر کردن دختران را می‌خورد و مسائلی مانند مجرد قطعی را مطرح می‌کند، اظهار داشت: ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار مرد و ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار زن مجرد وجود دارند که این ۱۰۰ هزار نفر اختلاف واقعا مصیبت نیست که آن را بزرگ می‌کنند.

تغییرات ساختاری خانواده

او با اشاره به تغییرات تاریخی که در جمعیت خانواده رخ داده است، تأکید کرد: در دوره‌ای دورکیم، مسأله‌ای را مطرح کرده بود که اگر تاریخ را ببینیم، می‌فهمیم انقباضی در مدل خانواده به وجود آمد. دورانی به عنوان مادرشاهی یا مادرتباری مطرح است که خانواده، قبیله بود و به تدریج با رسیدن به تمدن، اعضای خانواده کمتر شدند تا رسید به خانواده گسترده‌ای که سه نسل و بیشتر با هم زندگی می‌کردند؛ پس از آن خانواده هسته‌ای بود که دو نسل را تشکیل می‌داد و پس از ازدواج، فرزندان از آن خارج می‌شدند و آشیانه خالی می‌ماند. حدود ۲۵ سال پیش والد-فرزندی شکل گرفت که مادر یا پدر تنها درکنار فرزند بود. پس از آن هم خانواده یک‌نفره درحال پیداکردن معنا و مفهوم است؛ همان چیزی که در غرب معنا و مفهوم بیشتری پیدا کرده است.

متغیرهای مجردگرایی

این جامعه‌شناس با بیان این که زندگی مجردی، انتخاب شخصی است، افزود: شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هم در انتخاب زندگی مجردی دخالت می‌کند، اما برای برخی پیش از این سوال شده بود که متغیرهای دخیل چیست. اگر طبقه پایین جامعه را به شکل سنتی-مذهبی در نظر بگیریم، مسأله اقتصاد در آن نقش دارد. در طبقات بالاتر که سنتی نیستند، انتخاب شخصی است. دختر یا پسر جوان از خانواده‌های متمول جدا می‌شوند و خانه می‌گیرند. پسرها زودتر جدا می‌شوند و دختران بالای ۳۰ تا ۳۵ سال می‌توانند جدا شوند. این جدا شدن برای آنها مشکل ایجاد می‌کند و اکثر مشکلات برای زنان است. خانه مجردی که پسر جوانی در آن زندگی کند، کمتر از سویی همسایه‌ها مورد نظارت قرار می‌گیرد؛ در صورتی که دختر مجرد که تنها زندگی می‌کند، از همان اول مورد سوال همسایه‌هاست. این دختران باید خود را به نوعی از گزند کنجکاو همسایه‌ها و دید مردانی که به آنها پیشنهاد دوستی می‌دهند، حفظ کنند. برای دختران مجرد زندگی به‌تنهایی سخت است؛ زیرا هم باید پول

داشته باشند و هم از لحاظ اجتماعي از خودشان محافظت کنند، اما براي پسر فقط پول مطرح است.

افراد، شريك دلخواه خود را پيدا نمي‌کنند

اعزازي به امکانات شغلي دختران و پسران اشاره کرد و گفت: ۴۰ درصد بيکاري دختران داراي تحصيلات درمقابل ۲۰ درصد بيکاري پسران تحصيلکرده وجود دارد و به دختران هم حقوق کمتری تعلق مي‌گيرد. پس مسأله‌اي در ذهن دختران وجود دارد که اين ازدواج را نمي‌پسندند و حاضر به تحمل اين مشکلات هستند. درواقع مزايائي که در اين شرايط به دست مي‌آورد، بيشتر از ازدواج است. نمي‌توانيم بگوئيم اين افراد از ازدواج بدشان مي‌آيد. آنها شريك دلخواه خود را که بين سنت و مدرنيته گير نکرده باشد، پيدا نکرده‌اند. يک مشکل دختران و پسران اين است که در زمان ازدواج خيلي سنتي برخورد مي‌کنند و بعد از ازدواج مي‌خواهند مدرن باشد. در وضعيت سنتي مرد کار مي‌کند و زن هم کار خانه را انجام مي‌دهد؛ در فضاي مدرن هر دو با هم در فضاي خصوصي و بيرون کار مي‌کنند، پولشان با هم است و با هم تصميم‌گيري مي‌کنند. گروهی سنتي ازدواج مي‌کنند و مهریه و عروسي بسيار پرهزينه مي‌خواهند و پس از ازدواج مدرن مي‌شوند و مي‌گويند مرد که شب مي‌آيد به خانه کار خانه هم انجام دهد. اين هم مشکل پسران ما است. مدل ديگر آن هم اين است زن کار مي‌کند و تحصيلکرده است، مرد هم کار مي‌کند اما زن هيچ بخشي از پول خود را در خانه خرج نمي‌کند که اين ظلم است.

او ادامه داد: جوانان به دنبال شريك واقعي مي‌گردند، اما پيدا نمي‌کنند. در ازدواج شاهد نقش تأثيرگذار پول هستيم. مثلاً مي‌گويند ظاهر شخص بد نيست، تحصيل هم که کرده، کار هم که مي‌کند، پول هم که دارد؛ لذا اين فرد را انتخاب کنيم، چون عيبي ندارد. آناني که قبل از انقلاب ازدواج کردند حداقل در قشر روشنفکر دانشجو پول، خودرو، مهریه و جهيزيه برايشان اهميت نداشت و فقط علاقه به فرد مهم بود، اما امروزه معيارهاي ذکرشده را مطرح مي‌کنند.

سياست‌گذاران، تجرد را موضوعي پليد مي‌دانند

او درمورد معنای ذهني تجرد در ذهن سوژه و سياست‌گذاران تصريح کرد: نمي‌دانيم معنای ذهني در سوژه‌ها چيست، اما سياست‌گذاران تجرد را موضوعي بسيار پليد مي‌دانند؛ به‌جاي اين که قبول کنند تجرد هم نوعي از شيوه‌هاي زندگي است و درمورد چنين موضوعي شخصي، همه مردم نبايد طبق آن‌چه سياست‌گذاران فکر مي‌کنند صحيح است، رفتار کنند.

سياست‌گذاران معتقدند، تجرد مشکلات زيادي براي زنان ايجاد مي‌کند و به همين دليل برنامه‌ريزي‌هايي مي‌کنند و بر همين اساس بود که در اولويت استخدام، مرد و زن مجرد را در آخرين اولويت قرار دادند. در برابر اين منطق، طبيعي است که مجردان مي‌گويند اگر کار نکنيم، پول نداريم و اگر پول نداشته باشيم، ازدواج نمي‌کنيم و نمي‌دانم چطور مسئولان متوجه اين موضوع نشده‌اند. من اين اولويت‌بندي را فاجعه‌اي براي ايران مي‌بينم.

مسئولان به دنبال راه‌حلي براي کم‌کردن تجرد هستند

اعزازي بيان کرد: آسيب فجايع اجتماعي بيشتر از تجرد است، مسئولان به دنبال راه‌حلي براي کم‌کردن تجرد هستند، تسهيلاتی فراهم کرده و موسسات ازدواج آسان را فراهم مي‌کنند. در اين دفتر عنوان مي‌شود که هزينه ۱۰ ميليوني ازدواج با يک تا ۲ ميليون تومان برگزار مي‌شود. آیا مشکل ازدواج فقط هزينه برگزاري مراسم عروسي است؟ فکر نمي‌کنم تنها مشکل، مسائل مالي باشد.

جامعه مي‌گويد نمي‌خواهم همسر دوم بگيرم

اين استاد دانشگاه به علت طلاق اشاره کرد و گفت: خيانت، بيشترين علت طلاق است. مگر چند درصد مردم، زن دوم مي‌خواهند؟

او به پيامدهاي تجرد اشاره کرد و گفت: از پيامدهاي تجرد اين است که نرخ باروري و فرزندآوري کمتر مي‌شود. هرچند ممکن است افراد بخواهند فرزند داشته باشند. اعزازي در پايان اظهار داشت: به‌عنوان يک جامعه‌شناس معني ندارد بگوئيم با تجرد مخالف يا موافق هستيم. روند جامعه به سمتي که مي‌خواهد پيش مي‌رود، اما در نظر شخصي خودمان با خانواده مخالفتي نداريم؛ چراکه فکر مي‌کنيم در ازدواج پس از اين که فرزندان رفتند آن کساني که مي‌مانند زن و شوهر هستند. درحال حاضر اشکال جديد باهم‌بودن ايجاد شده است. همخانگي يکي از اين مدل‌هاست. يکي ديگر از مدل‌ها اين است که هرکس خانه خودش را دارد، اما تعطيلات و آخر هفته را با هم مي‌گذرانند؛ البته ممکن است يکي، دو شب هم با هم بمانند. تجرد ناخواسته

ناشي از تبليغات جامعه است. اين نگرش‌ها را دولت، رسانه و تلويزيون تبليغ مي‌کنند که حتما بايد با شرايط خاصي ازدواج کرد؛ بعضي از دختران به هر علت خواسته يا ناخواسته ازدواج نمي‌کنند که بايد از لحاظ مالي توانمند شوند.

شکاف نسل‌ها و نداشتن زبان مشترک در دنياي امروز

در ادامه احمدنيا با اشاره به تغيير نسل‌ها گفت: اتفاقي که در جامعه ما افتاده اين است که با نسل‌هاي کاملاً نويني مواجه هستيم. به قدری شدت تغييرات هنجاري بالا رفته است که مي‌بينيم بين افراد با فاصله سني کم تفاوت‌هايي وجود دارد و در اين موضوع شاهد تأثيرگذاري عوامل سياست، مذهب، دين و تکنولوژي‌ها هستيم. اين وضعيت که نداشته‌ها را با شيوه‌هاي جديدي پر مي‌کنند، ويژگي خاص ايران است که حتي با کشورهاي خاورميانه هم قابل مقايسه نيست. خواه‌ناخواه ارتباطات رسانه‌اي مزيد بر علت شده، دسترسي به الگوهاي فرهنگي ايجاد شده، تکنولوژي‌ها در ارتباطات تأثير گذاشته و به همين دليل با دختران و پسران جديد مواجه هستيم. کنش‌ها و انتخاب‌ها فردگرايانه شده؛ يعني مي‌بينيم نسل جوان انتخاب‌گرا تر و فعالانه‌تر در مسير زندگي خود تأثيرگذاري مي‌کنند. در همسرگزيني دامنه انتخاب‌شان وسيع‌تر شده است. پيش از اين بزرگترها انتخاب مي‌کردند، يا تأثير عمده‌اي در انتخاب داشتند، اما در حال حاضر انتخاب بر دوش جوانان افتاده است يا خواسته‌اند که بر دوش خودشان بيفتند. آن قدر شکاف نسلي وسيع شده که زبان مشترک وجود ندارد و ایده‌آل‌هاي اين افراد با ایده‌آل‌هاي نسل‌هاي قبلي خود خيلي فرق کرده است.

عمده جوانان به ازدواج فکر مي‌کنند و تعداد کمي به سمت پديده مدرن تجردگزيني مي‌روند

اين جامعه‌شناس با اشاره به تغييرات هويت جنسيتي تصريح کرد: عمده تغييرات هويت جنسيتي در دختران افتاده است. سطح سواد در جامعه ما در چند دهه اخير براي هر دو جنس افزايش پيدا کرده، اما براي دختران شتاب بيشتري داشته است. از طرفي با ورود دختران به عرصه تحصيلات تکميلي مواجه هستيم که به دليل گسترش حضور دختران، حتي در برخي رشته‌ها مانند پزشکي سهميه‌بندي قابل شده‌اند. بنابر اين با نسل جديدي از دختران مواجه هستيم که تحصيلکرده هستند و در نتيجه ایده‌آل‌هايشان تغيير کرده است و الزاما ایده‌آل آنها مادرشدن و همسرشدن نيست. هرچند هنوز نقش‌هاي سنتي، همچنان ایده‌آل هستند؛ يعني جامعه‌اي هستيم که نقش‌هاي سنتي در آن همچنان ایده‌آل است و عمده جوانان به ازدواج فکر مي‌کنند و تعداد کمي به سمت پديده مدرن تجردگزيني مي‌روند و همچنان غلبه با ازدواج است. همه اين موارد بايد در بستر متحول‌شونده تغييرات ديده شوند تا بفهميم چه اتفاقي افتاده است.

تغيير هدف ازدواج

او در رابطه با هدف ازدواج براي جوانان با بيان اين که هدفی که زماني براي ازدواج در نظر گرفته مي‌شد در حال حاضر در نظر گرفته نمي‌شود، ادامه داد: پيش از اين کارکرد ازدواج فرزندآوري بود، اما اين موضوع کمرنگ‌تر شده است؛ نمود آن هم شاخص‌هاي سايز خانواده است که کاهش پيدا کرده و سن بارداري به تعويق افتاده است؛ يعني ديرتر زوجين وارد فضاي سن بزرگسالي مي‌شوند. در فرهنگ سنتي، دو مرحله در زندگي با نام‌هاي کودي و بزرگسالي وجود داشت که مرز آن هم بلوغ بود و به محض بالغ شدن خانواده‌ها پاسخ مشروع به نيازهاي جنسي را ازدواج مي‌دانستند که کاري منطقي بود؛ زيرا اقتصاد کشاورزي و مزرعه‌داري داشتيم و مزرعه، فرزند پسر زياد مي‌طلبد. تصور کنيد زندگي ما نسبت به ابتدای انقلاب از ۷۰ درصد روستانشين تبديل به ۷۰ درصد شهرنشين شده است، پس اولويت ما الزاما فرزند زياد و به‌ويژه پسر نيست؛ زيرا پسر و دختر هرکدام به جاي درآمد، هزينه هستند.

دلایل اقتصادی، تغيير نگرش نسبت به ازدواج و دافعه‌هاي ازدواج با توجه به قوانين کشور، از دلایل تعويق سن ازدواج احمدنيا با بيان اين که دلایل اقتصادی، تغيير نگرش نسبت به ازدواج و دافعه‌هاي ازدواج با توجه به قوانين کشور، از دلایل تعويق سن ازدواج است، اظهار داشت: دختران تا حدي از ورود به ازدواجي که براي آنها ايجاد محدوديت مي‌کند، امتناع مي‌کنند. از طرفي سبک زندگي دختران و پسران ايران مانند همه‌جاي دنيا به هم نزديک شده است، ولي در عين حال تفاوت ما با ساير کشورها عدم تناسب سطح تحصيلات و ورود دختران به بازار کار است؛ يعني نسبت زيادي از دختران به تحصيل مي‌پردازند، اما درصد زيادي به دلایل فرهنگي وارد بازار کار نمي‌شوند. اين مسائل به سطح خصوصي زندگي آنها هم وارد شده است و مردانشان اجازه ورود به بازار کار را به آنها نمي‌دهند؛ به همين دليل است که در رشته‌هايي مانند پزشکي سهميه ۵۰ درصدی در نظر گرفته‌اند تا در مناطق محروم يا در زمان گذراندن طرح، با مشکل کمبود پزشک مواجه نشويم. در عرصه عمومي هم کارفرما نيرويي مي‌خواهد که دايماً در اختيار باشد و به بهانه مرخصي‌زايمان و ازدواج از فضاي کار بيرون نرود. در اين رابطه هيچ قانوني نيست که بگويد اين زن هم انسان است. انواع دلایل کمک مي‌کند تا شرايط متفاوتي را بين دختران و پسران داشته باشيم.

ثروت و زیبایی اصلی‌ترین معیارهای انتخاب همسر

این استاد دانشگاه با اشاره به تحقیقی در سطح تهران در رابطه با معیار ازدواج جوانان تصریح کرد: هم دختران و هم پسران ظاهر و ثروت را در اولویت‌ها مطرح می‌کردند. ارزش‌های مادی در هر دو جنسیت شکل گرفته است. در این پژوهش من معیارهای ایده‌آل برای ازدواج را پرسیدم و همه افراد ابعاد معنوی، صداقت، ایمان و پاکدامنی را بیان کردند، اما در عمل برای پسران در درجه‌اول زیبایی ظاهری و در رتبه‌های بعدی ثروت دختر اهمیت داشت و دختران ثروت را در اولویت قرار می‌دادند و ظاهر را در اولویت‌دوم می‌گذاشتند.

فضای زندگی مجرد قطعی نگران‌کننده است

او با تأکید بر این‌که ازدواج همچنان در ایران عمومیت دارد، گفت: باید بیشتر نگران موارد دیگری باشیم و مجرد در مراتب بعدی اهمیت قرار بگیرد. اگر مجرد قطعی بخواهد نگران‌کننده باشد، در ارتباط با فضایی است که زندگی افراد مجرد را درگیر می‌کند و خطراتی که برای آنها وجود خواهد داشت. ارضای نیاز جنسی به اشکال و صور جدیدی درحال‌اتفاق است که متأسفانه، هم دختران و هم پسران در معرض خطر هستند. درحال‌حاضر در برخی مناطق تهران نیز با این پدیده مواجه هستیم که دختران به‌سادگی خود را در معرض تماس‌های مخاطره‌آمیز قرار می‌دهند که این موضوع به شدت باعث انتقال آیدز می‌شود. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که فکر می‌کنند اگر پسر تن به هر خطری دهد، ایرادی ندارد؛ اما همین رویکرد آنها را به سمت مخاطرات سوق می‌دهد. در مورد آیدز زنان چه از لحاظ جسمانی و چه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بیشتر در معرض آسیب هستند. در بعد جسمانی زنان سریع‌تر بیماری را می‌پذیرند. از لحاظ اقتصادی و اجتماعی هم ممکن است زنی در شرایط مجرد برای ارضای نیازهایش به دلیل وابستگی‌های عاطفی وارد روابط شود که این موضوع، افراد را در معرض آسیب قرار می‌دهد. احمدنیا ادامه داد: نمی‌توان به صورت رسمی از مواردی نام برد، اما درحال‌حاضر با پدیده ازدواج‌سپید مواجه هستیم. برخی کسانی که به‌طور رسمی ازدواج نکرده‌اند، ازدواج غیررسمی دارند و در آن چارچوب به نیازهایشان پاسخ می‌دهند و دختران و پسران به مسیرهای متفاوت و جدید متصل می‌شوند. در تمامی مسائل مطرح‌شده، تأثیرات را روی دختران و پسران به‌صورت مجزا مطرح می‌کنیم.

در فرهنگ ما برای مجرد شرایط متفاوتی حکمفرماست

این جامعه‌شناس درخصوص تجردهای ناخواسته اظهار کرد: زمانی که از نقطه‌نظر شرایط فرهنگی درمورد مجرد صحبت می‌کنیم، وضعیت کاملاً متفاوتی برای دختران و پسران قایل هستیم. در جامعه ما پسران باید به خواستگاری بروند و دختران در ویتترین بنشینند و چهره‌شان را با هر شیوه مانند لوازم‌آرایش و جراحی‌پلاستیک زیبا کنند؛ زیرا این مسأله از معیارهای ازدواج است، اما کسانی که نمی‌توانند این اقدامات را انجام دهند و از زیبایی کمتری بهره‌مند می‌شوند، فرصت ازدواج را از دست می‌دهند. به همین دلیل گاهی حتی اگر دختر قصد ازدواج داشته‌باشد هم شاید نتواند ازدواج کند؛ زیرا کسی باید بیاید او را انتخاب کند، اما درمورد فضای همسرگزینی امکانات و فضا خیلی گسترده‌تر از گذشته شده و انفجار فضای همسرگزینی فراهم شده‌است. اینترنت، چت‌روم، خیابان، دانشگاه، فضای شغلی و درمجموع فضاهای واقعی و مجازی اجتماعی به خدمت آشناسدن افراد درآمده است، ولی مسأله اینجاست که این آشنایی‌ها به‌ازدواج ختم نمی‌شود.

دختران مجرد در روستاها

این استاد دانشگاه با اشاره به شرایط مختلف زندگی دختران در شهرها و روستاها بیان کرد: باوجود سیاست‌های احیای مشاغل روستایی، با مهاجرت پسران از روستا به شهرها و تعداد زیادی دختران مجرد روستایی روبه‌رو هستیم. پسران از روستا رفته‌اند، اما دختران نمی‌توانند بروند؛ زیرا باید تا هر سنی قبل از ازدواج با پدر و مادر زندگی کنند. در فضای شهری شرایط تغییر کرده و درصد کمی از خانواده‌های شهری به دختران خود اجازه زندگی مستقل می‌دهند. شرایط منحصربه‌فردی پیش آمده که نیازمند مطالعاتی است تا بدانیم این وضعیت ایران بیانگر چه چیزی است و آسیب‌ها کجاست.

ایده‌آل، داشتن شریک زندگی است

او با تأکید بر این‌که ایده‌آل، مجردبودن نیست، بلکه داشتن شریک زندگی است، اظهار داشت: زندگی مشترک از همه‌نظر کارکردهایی دارد که می‌تواند آرامش‌بخش باشد، استرس را کم کند و یکی از وجوه سلامت اجتماعی است. افراد هم می‌توانند در چارچوب ارتباط متقابل مشکلات را کاهش دهند؛ بنابراین فشارهای اجتماعی برای کسانی که آگاهانه در شرایط مجرد به‌سر نمی‌برند، مزید بر علت می‌شود. برخی ازدواج می‌کنند که تحرک اجتماعی پیدا کنند و ارتقای مالی داشته باشند. دستیابی به

چنین پایگاهی، موردی است که از گذشته ذهن افراد را مشغول کرده و امروز ممکن است دختر حتی با داشتن تحصیلات، نتواند شاغل شود یا سقف شیشه‌ای اجازه رشد شغلی به او ندهد. از طرفی فقر به دلایل مختلف مانند تفاوت عمر زندگی، ویژگی جمعیت زنان در جهان است. بیشتر سالمندان زنان هستند که عمدتاً زنان مجرد، مطلقه یا بیوه با سطح دسترسی سخت به منابع مالی هستند. عمدتاً شرایط زندگی برای زنانی که زندگی مجردی دارند، خوب نیست؛ مگر این‌که خودشان انتخاب کرده یا پشتوانه مالی داشته یا شراکت با فرد دیگر را با شیوه‌های جدیدی فراهم کرده باشند.